طرح اشکال به صورت‌سازی در مثال کودک و جدول ضرب

ذیل جلسه قبل که مباحثه کردیم، مطلبی را ارسال کرده‌اند که مطلب خوبی است. من فرمایش ایشان را می‌خوانم تا همین عین‌نگذاری در تشخیص معنا روشن شود. فرموده‌اند:

> **راجع به مثال کودک و جدول ضرب دو نکته به ذهن می‌رسد (البته مستقیماً ناظر به مقصود شما از این مثال نیست)**
>
> **1. رفتار کودک، رفتاری است مبتنی بر دریافت معنا. هر رفتار خاص که او آگاهانه آن را انجام می‌دهد نیز نزد وی معنادار است. در مثال مورد بحث، کودک نشان‌ 2» را به مثاب‌ یک معنا می‌بیند که این معنا بر افرادی منطبق می‌شود؛ کودک درک می‌کند که «2»، «3» نیست همانطور که می‌فهمد ج، ب نیست. همچنین اینکه از ردیف و ستون انگشت خود را حرکت دهد تا به نشان‌ محل تلاقی برسد، این حرکت نزد او یک معناست و کودک با ملاحظ‌ معناست که قادر به تکرار رفتار خود است. ویژگی معنا اتصاف به کلیت است.**
>
> **اما ماشین، بدون درک نشانه به مثاب‌ یک معنا کار می‌کند. مثلاً ترازوی دو کفه‌ای؛ کفه ترازو همیشه به سمت طرف سنگین‌تر پایین می‌رود، اما ترازو نه از سنگینی درک دارد و نه از پایین رفتن یک کفه.**
>
> **در مثال اتاق چینی که یک انسان در اتاق قرار دارد که زبان چینی نمی‌داند، آن انسان، گرچه زبان چینی نمی‌داند، اما هریک از نشانه‌های این زبان برای او یک معناست.**
>
> **2. اینکه از کودک بخواهیم هنگامی که دو نشانه به او عرضه شد، با حرکت عمودی و افقی در جدول ضرب نشانه‌ای دیگر را بیابد و ارائه دهد، این خواسته، با تفاهم با کودک به او منتقل می‌شود. یعنی فرد با به‌کارگیری معانی خاصی مقصود خویش را به کودک منتقل می‌کند و کودک با یادگیری آن معانی، رفتار خود را انجام می‌دهد. پس، از این منظر هم، معنا واسط‌ رفتار کودک است.**
>
> **اما ماشین اینطور نیست. در ماشین، سازوکاری (مکانیزم) وجود دارد که بر اساس قوانین مادی شکل گرفته است و طبق سازوکار خاص، آن کار انجام می‌پذیرد. در مثال ترازو، ماشین به شکلی طراحی شده**

> **هرگاه طرفی سنگین‌تر از طرف دیگر بود به پایین برود. انجام کار در ماشین بدون واسطه معنا صورت می‌گیرد.**
>
> **با توجه به دو نکته فوق سوالی که می‌توان طرح کرد این است: معنابینی در ماشین ممکن است؟**
>
> **برای جواب به سوال فوق این سوال باید جواب داده شود که: معنا چیست؟[1]**

«راجع به مثال کودک و جدول ضرب دو نکته به ذهن می‌رسد»؛ جلسه قبل مثال کودک و جدول ضرب را توضیح دادم. این دو نکته، مطالب خیلی خوبی است و من که این را دیدم، خیلی خوشحال شدم؛ اصلاً من به‌دنبال همین‌طور فکرها و تحقیقات و جلو رفتن‌ها هستم؛ یعنی طوری که ذهن ما معنا را سر جایش تشخیص دهد. الآن ایشان می‌گویند: تو گفتی کودکی بیاید و به او یاد بدهید، درحالی‌که هیچ درکی از جدول ضرب ندارد. گفتن دو نکته به ذهنم می‌رسد. «**البته مستقیما ناظر به مقصود شما از این مثال نیست**»؛ درست هم فرمودند؛ بعد می‌گویم چرا.

«1. رفتار کودک رفتاری است مبتنی بر دریافت معنا»؛ تا کودک یک معنا را درک نکند، نمی‌شود به او گفت این کارها را بکن. درست است که او ضرب و عدد را بلد نیست، اما این‌ها را که درک می‌کند که می‌گویی‌م این کارها را بکن. تمام این چیزهایی که می‌خواهیم به او یاد بدهیم، وقتی به نماد نگاه می‌کند، خود نماد مشتمل بر معنا است. وقتی به او کارها را می‌گویی‌م، خود این کارها مشتمل بر معنا است. حال توضیح این‌ها را عرض می‌کنم که چه‌جور معنایی است.

---

[1] فدکیه

بازبینی #2
ایجاد شده 23 سپتامبر 2024 13:43:28 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 سپتامبر 2024 14:31:23 توسط ... .